عدم ورود نهی از قرائت به قرائات مختلف دلیل بر پذیرش تعدد قرائات

شاگرد:... .

استاد: ایشان می‌گویند نمی‌توانید مرادف بیاورید، مذهب اهل البیت این است. خب مذهب اهل البیت باید چیزی شناخته شده‌ای باشد. من قبلاً عرض کردم نزد شیعه -هم سنی ها این‌ها را می‌شناختند و هم برای خودشان معلوم بوده- دو چیز مثل آفتاب بوده. یکی این‌که بر شیعه و بر مسلمان حرام است که قرآن را نقل به معنا کند و مرادف بیاورد. مذهب اهل البیت این است. اما سنی ها مفصل قائل بودند که جایز است. یکی دیگر مذهب اهل البیت این بوده که این قرائات متداول بین مدنیین و عراقیین جایز است. از آن منع نمی کردند. هر دوی آن‌ها بین شیعه به‌عنوان مذهب اهل البیت جا افتاده بود. عبارت مستمسک، عبارت بزرگی بود. فرمودند در مرئی و مسمع معصومین این قرائات متعدده، شبانه‌روز مرتب تکرار می‌شد «بلااکار منهم لاحد». یک جا گفته نشد که این قرائات مدنیین را شما نخوان. و حال آنکه «لاصلاة الا بفاتحة الکتاب»؛ یک حرف آن را نباید تغییر بدهید. خب چطور شما هم «مالک» می‌خوانید و هم «ملک»؟ در رکعت اول می‌خوانید «مالک» و در رکعت دوم «ملک» می‌خوانید، می گویند این صحیح بلاخلاف عند الامامیه. عرض کردم مرحوم آقای خوئی اولین کسی هستند که این فتوا را ذیل عروه دارند که تخییری بدوی است، نه استمراری. ایشان در حاشیه عروه فرموده‌اند از اول یکی را انتخاب کند؛ این دست خودش است که ای «ملک» را اختیار کند ای «مالک» را. اما هر چه را که اختیار کرد تا آخر، نمازهایش را به همین صورت بخواند.

شاگرد: چرا این را گفتند؟

استاد: به‌خاطر این‌که روی مبنای وحدت قرائات دچار مخالفت علم اجمالی نشود. می‌گویند یکی از آن‌ها قرآن واقعی است. و حال آنکه روی این مبنایی که عرض می‌کنم- یعنی این مبنای تواتر قرائات را که علامه فرمودند - اصلاً به این نیاز نیست.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 15:28:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 11:56:12 توسط ... .